

پشت پرده تعلیق قرارداد گازی مصر و اسرائیل

رضارضایی ۲۲

یادداشت

رنالیسم جادویی «دریانگاری»
به بهانه ۱۱ سالگی سرآمد و موفقیت های اخیرش



مهدی ده دار- در آن دفتر تحریریه قدیمی طبقه دوم ساختمان خودنگاه خیابان لبافی نژاد که در ضلع غربی میدان انقلاب واقع شده بود و گهگاهی بوی شور دریا و مرکب کهنه می داد، هیچ کس تقویم را نگاه نمی کرد. زمان، در آن جا، با طلوع و غروب خورشید سنجیده نمی شد؛ بلکه با شمارگان روزنامه اندازه گرفته می شد. امروز اما پس از ۱۱ سال دفتر روزنامه در کران تا کران پایتخت جایجا شده و تیم تحریریه این روزها و حدود ۶ سال است ساکن طبقه سوم ساختمان پلاک ۴۵۶ خیابان سهروردی شمالی شده اند، روز دو هزار و سیصد و چهل و ششم از آغاز آن همه گیری عجیب هم گذشت؛ و سوسه جون آور نوشتن درباره دریا.

۱۱ سال پیش، اولین شماره «اقتصاد سرآمد» با رویکرد عمومی به روزنامه نگاری اقتصادی متولد شد اما در سال ۱۳۹۷ که سکنان روزنامه به سمت رویکرد تخصصی توسعه دریامحور گردش پیدا کرد، اهالی جامعه محلی ساحل نشین می گویند سطح آب های خلیج فارس و دریای کاسپین، اندکی بالاتر آمد و به ساحل نزدیک تر شد. ناخدایان پیر و دریاورزان اهل هوا، قسم می خوردند که آن روز، کوسه ها از عاشقی و جنون، «بیماری زار» گرفته بودند، دلفین ها در مقابل گردشگران جزیره با حرکات موزون، موسیقی «لیو» اجرا می کردند، ماهی های مقوا، طعم کاغذ می دادند و تیتروهای روزنامه را می شد در صدای کاکایی ها و مرغان دریایی شنید. آن ها فقط شمارگان کاغذی یک روزنامه نبودند. آن ها دو هزار و سیصد و چهل و شش نقشه بودند برای بندری که هنوز ساخته نشده بود؛ دو هزار و سیصد و چهل و شش قطب نما...

ادامه در همین صفحه

خلیج فارس، پدیدار می کند؛ پشت دریاها، شهری است، قایقی باید ساخت...
 پژو و هشرگ پیشرفت دریاپایه



که تمام رندهای تحلیل و آموزش بین المللی سرانجام به آن می ریزند. در نهایت، «سرآمد» نه تنها یک روزنامه، که یک «نهاد فرهنگیستان رسانه ای با رسالت توسعه محور» است؛ نهادی که ریشه هایش در کف اقیانوس دوآندۀ تا آیندۀ اقتصاد دریایی را شکل دهد. انتشار دو هزار و سیصد و چهل و شش شماره، تنها یک عدد نیست؛ این، تکرار یک افسون ۱۱ ساله است. «نماد پایداری» در برابر طوفان، «تخصص گرایی» در شناخت جریان های پنهان، و «عشق به دریا و اقتصاد ملی» است. این دستاورد، مدیون «تعهد و استمرار» در عرصه «دریانگاری» است؛ تعهدی که همچنان ادامه دارد و افق های تازه ای را در آن سوی شرحی مه آلود

ادامه از همین صفحه
 برای کشتی هایی که در مه غلیظ آمار و تحلیل گم شده بودند. در این سال های طوفانی مطبوعات کاغذی، نویسندگان و روزنامه نگاران «سرآمد» نه با قلم، که با استخوان ماهی های فلس دار، می نوشتند. جوهرشان را از ماهی مرکب در عمق تاریک آب های تنگه هرمز می آوردند، جایی که «اقتصاد دریامحور» و «فرهنگ دریاپایه» نه به عنوان کلمه، بلکه به عنوان موجوداتی غول پیکر و زنده نفس می کشیدند.

تحلیل هایشان آن قدر سنگین بود که صفحه روزنامه را خم می کرد. آن ها از «توسعه ی بنادر و شهرهای ساحلی» نمی نوشتند؛ آن ها با کلماتشان، جرثقیل هایی می ساختند که می توانستند اندوه انباشته کشتی ها را در ساحل بندرعباس، چابهار، انزلی، امیرآباد، بوشهر و بندر امام، خالی کنند. وقتی از «لجستیک» می گفتند، بوی لاستیک داغ و غبار جاده های ترانزیتی آینده، از میان حروف بلند می شد. در دفتر جدید خیابان سهروردی شمالی، که بیشتر شبیه باشگاه ملوانان است تا یک رسانه، «تعهد» واژه ای نیست که چاپ شود؛ «تعهد» بسان شرچی مه آلودی با طعم نمکین خلیج فارس است که هر صبح از پنجره ها به داخل می خزد و بر میزها می نشیند. اهالی «سرآمد» طی این سال ها با چالش هایی روبرو بوده اند که شباهت بسیاری به هیولاهای دریایی افسانه های هزار و یکشب دارند؛ طوفان های مالی، گرداب های فنی، و سکوت سنگین سیاست گذاری.

اما این پایداری و استقامت، از نفس های گرم «مخاطبان وفادار» می آید؛ ناخدایانی که از آن سوی اقیانوس ها، با اعتمادشان، پادبان های این کشتنی را با انرژی باد موافق، پر می کنند. این «باور به رسالت رسانه ای» هر روز، لنگر کشتی «سرآمد» را از گلی روزمرگی بیرون می کشد.

می گویند در شماره هزارم روزنامه، یکی از تحلیل گران آنقدر عمیق درباره «شسیلات» و ... نوشت که وقتی مقاله تمام شد، یک مروارید اصل «گماش» کنار فنجان قهوه اش، روی میز تحریریه نمایان شد و همه همکارانش را شگفت زده کرد. و اکنون، می گویند دریا، برای «دومین بار»، تاجی از مرجان بر سر «سرآمد» گذاشته و آن را «رسانه نمونه دریایی» خوانده است [اشاره ای شاعرانه به دریافت دومین نشان رسانه برگزیده دریایی از سازمان بنادر و دریانوردی طی دو سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲]. در آستانه ی این فصل تازه، «سرآمد» با «نگاهی آینده نگر»، دیگر به آینده نگاه نمی کند؛ بلکه آینده را به یاد می آورد. آن ها نه برای «مرجع منطقه ای» شدند، که برای تبدیل شدن به خود اقیانوس فرهنگ دریاپایه می نویسند؛ اقیانوسی

از این جزیره به آن جزیره سینه تحلیل می کند؛

رگبار همایش های دریامحور!



دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۴ - سال یازدهم - شماره ۲۳۴۶ - قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

عضو سابق هیات مدیره کشتیرانی به سینه می گوید:

سهم ناچیز ایران در ترانزیت ۱۵ میلیارد تنی جهان! اثرگذاری تحریم های خارجی کمتر از خود تحریمی در حوزه دریاست



سینه تحلیل می کند؛

گسست نسلی دریوند فرهنگ و دریا نسل Z درگیر بحران هویت دریایی

همایش های دریامحور



صرف بخش خصوصی کنبد ببینید تا کجا پیش می رود.

همایش ممنوع

این که گذاشتن یک آرم زیر یک پوستر شده است تمام همت یک وزارت خانه یا سازمان دولتی، دروغ بزرگی است که خودشان نیز باور کرده اند. دروغی به معنای این که داریم کار می کنیم! چه خوب است که رییس جمهور همایش و نمایش را برای بخش دولتی کاملاً ممنوع کند. اصلاً سخنرانی را ممنوع اعلام کند. هر وزارت خانه و سازمان فقط یک سخنگو داشته باشند تا از وزیر تا ابدارچی جلوی دوربین و میکرفون حاضر نشود و فعل می شود را تکرار نکنند. بگذارید بخش خصوصی بیاید و بگوید شده است. می شود برای شما و شده است برای غیر شما. این طوری کار پیش می رود. شماها که با این همه سخنرانی بعد از دو سال هنوز نتوانسته اید یک برنامه اجرایی برای سیاست ها بنویسید و یک بند از آن برنامه کذایی را اجرا کنید، به چه درد مردم می خورید؟

وفاق مساله نیست

مشکل ما در دولت هاست. مشکل نیمه تمام ماندن طرح ها و پروژه هاست. مشکل نداشتن یک برنامه درست و درمان داریم که دردهای معیشتی را درمان کند. مشکل برهوتی سواحل کشور را داریم. مشکل شغل برای جوانان داریم... همه در پر تو فعالیت منسجم و اقدام عملی رفع می شود. مشکل ما عملکرد ضعیف دولت هاست که بعد از این همه مدت هنوز یک برنامه معمولی هم برای اجرای سیاست های کلی توسعه دریامحور ندارند این ناتوانی ها به کجا ربط دارد؟

فقط برنامه و اجرا

اکنون دیگر نه اهمیت و ضرورت دریا مساله است. هر دو حل شده است. سیاست های ابلاغی رهبری در توسعه دریامحور یعنی حکم قطعی بر اهمیت دریا و ضرورت توسعه دریایی. چیزی که کم داریم برنامه و اجراست که یک جو همت می خواهد نه سخنرانی و نه همایش و نه نمایش.

فقط تصور کنید که طی یک برنامه برای توسعه دریایی، دولت انبوهی از بودجه های سربار وزارت خانه ها و سازمان ها را حذف و به سمت ساخت و ساز در سواحل اختصاص دهد.

فقط تصور کنید که ساخت وساز در تهران و اطراف تهران تعطیل شود و همه ساخت و سازها متوجه سواحل جنوب شود.

فقط تصور کنید که یک بانک دریایی ایجاد شود و به توسعه دریایی بپردازد.

فقط تصور کنید قوانین پیچیده و دست و پاگیر دولتی ها حذف شود و قدرت مانور بخش خصوصی را افزایش دهد.

فقط تصور کنید که ...

اما افسوس که الان دو سال شد که دولتی ها چه در دولت رییسی و چه در دولت پزشکیان دست از روی ماشه رگبار سخنرانی بر نمی دارند! فقط سخنرانی!

از این جزیره به آن جزیره سینه تحلیل می کند؛

رگبار همایش های دریامحور!

سینه ابرج گلشنی - دو سال از زمان ابلاغ سیاست های کلی دریاپایه گذشت. به سرعت برق و باد و بدون کمترین نتیجه. مهم ترین نتیجه ابلاغ سیاست ها، برگزاری همایش ها و سخنرانی های تکراری بود. یک گروه به اسم مسئول، به جای آن که پشتت میز کارشان باشند، سفرهای گالیور را در دستور کار قرار داده و از این جزیره به آن جزیره و از این هتل به آن هتل، رفته و یک مشت سخنرانی های تکراری و نخ نما به اسم همایش ملی و علمی تحویل می دهند و همه هم سکوت می کنند چون با خود می اندیشند، به ما چه ربطی دارد! طرف مسئول حکومتی است. ممکن است فردا کارمان زیر دشتش بیفتد!

مهم ترین اظهار نظر

مهم ترین اظهار نظر این روزها مسئولان امر، در باره غذای هتل هاست. مهم ترین نقدشان در باره تاخیر احتمالی هواپیماست. مهم ترین دردشان حق ماموریتی است که فکر می کنند باید حق بدی آب و هوا و حق مسافرت به سواحل مترو که هم به آن اضافه شود.

دریغ از یک جو همت و یک مقال عمل. یک سند نوشته شد و دو سال است که روی کاغذ مانده است. و دو سال است که مسئولان برای اجرای سند کاغذ سیاه می کنند و سخنرانی تحویل می دهند که بگویند این سند خوب و مهم است. دو سال است درباره ضرورت اجرایی شدن مفاد سند ابلاغی سخنرانی می کنند. دو سال است که گشت و گذار می کنند تا سواحل را بهتر ببینند که انگار قبل از سند با چشم بسته به سواحل می رفتند. مهم ترین اظهار نظر با فعل می شود، صرف می شود و کسی از شده است، حرفی برای گفتن ندارد. می شود؟ کی و کجا؟ هیچ کس نمی داند.

ساختار سازی

موازی کاری ۱۷ دستگاه دریایی ایران کم بود، شورای هماهنگی اجرای سیاست ها به آن افزوده شد و کسی نپرسید: کدام اجر؟! اجرا سیری چند؟ ساختار سازی جای برنامه سازی را گرفته است. برنامه که نیست طبیعتاً اجرا هم نیست. همین روزهاست که دولت کریمه یک ساختار جدید بسازد به اسم شورای هماهنگی برای هماهنگی اجرای سیاست ها. و دوباره دو سال دیگر تلاش کند تا با سخنرانی و دوره گردی در هتل های کیش و قشم، هماهنگی برای هماهنگی را توضیح دهد. دولت چهاردهم در توهم است که خیال می کند دوره اش چهارصد ساله است یا واقعا دارد تلاش می کند؟ اگر دارد تلاش می کند بهتر است خواهش و تمنا کنیم که کمی استراحت کند؛ می ترسیم مرض هتل گردی بگیرند و حلق شان از سخنرانی زیاد ورم کند. ما به شدت نگران اعضای محترم دولت هستیم.

واگذار کنید

وقتی کارایی ندارد و کار را به بخش خصوصی به عنوان کاردان نمی سپارید، همان لایق شماست که بایک زنجانی به ریش شما بپخشند و بگویند «مدیریت بلد نیستید» و راست هم می گوید. چگونه است کسی مثل بایک زنجانی چند برابر بانک مرکزی کارایی دارد؟ چطور است که تحریم ها حریف بایک خان نمی شود اما به شما که می رسد می شود مشکل اول و آخر جهان هستی؟

بهتر است این مصرع حافظ را خوب حفظ کنید: «خود حجاب خودی حافظ از میان بریز»؛ دولت مانع اصلی توسعه ایران است. اگر دولت بفهمد که مانع اصلی خود اوست، و کمی کنار برود، خیل عظیمی از بایک زنجانی ها هست که صد تا بانک مرکزی راه بیندازد و صد بار سواحل ایران را آباد کند. مگر آن خدا بیامرز نبود که یک تنه ایران خودرویی ساخت که شما صد تنه هنوز در تولید ضرر با هم مسابقه می دهید؟

واگذار کنید به بخش خصوصی. واگذار کنید و دو سالی که صرف سخنرانی کردید،